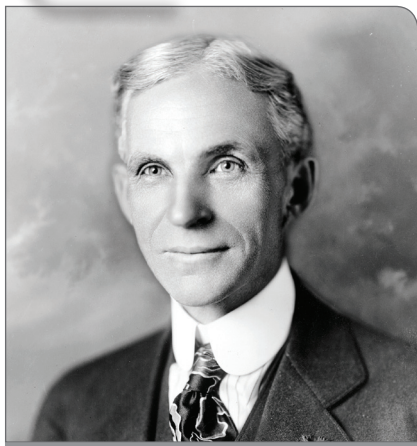
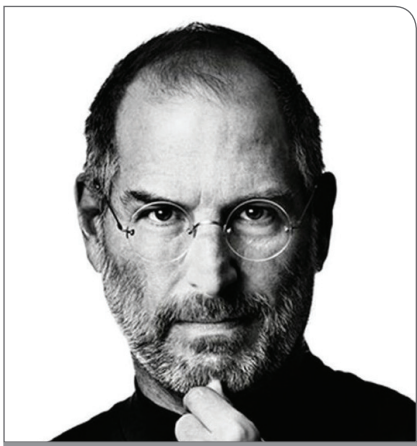
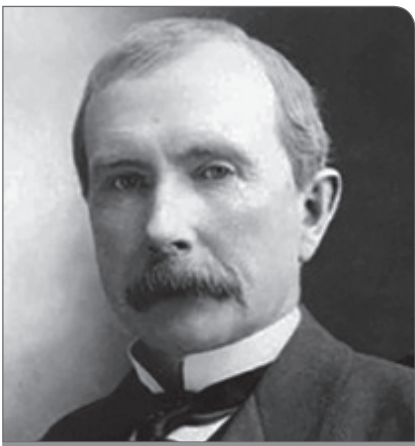




پشت پرده امپراطورها

گروه گزارش: زندگی کارآفرین‌های بزرگ را معمولاً به همان فرمول خسته‌کننده می‌فروشند: یک نابغه تنها، یک ایده بزرگ، چند مانع کوچک و بعد هم پیروزی باشکوه اما واقعیت این‌قدر تمیز و انگیزشی نیست. اگر زندگی استیو جابز، ایلان ماسک، جف بزوس، هنری فورد و جان دی. راکفلر را از زاویه اقتصاد و صنعت بخوانیم با پرونده‌های جدی مدیریت بحران، تصمیم‌های پرریسک، تغییر مدل کسب‌وکار، مهندسی قدرت خرید و حتی ساخت انحصار طرفیم. نقطه‌های مهم زندگی این چهره‌ها، لحظه‌هایی نیست که همه برایشان کف زده‌اند؛ لحظه‌هایی است که اخراج شده‌اند تا مرز ورشکستگی رفته‌اند، سود را قربانی بازار کرده‌اند، دستمزد را به ابزار تقاضا تبدیل کرده‌اند یا چنان امپراتوری ساخته‌اند که دولت ناچار شده آن را تکه‌تکه کند.



بزوس؛ مردی که فروشگاه را به زیرساخت تبدیل کرد

خطای دید بزرگ درباره جف بزوس این است که آمازون را فقط یک فروشگاه آنلاین ببینیم. این نگاه، صورت مسئله را کوچک می‌کند. آمازون با کتاب‌فروشی آنلاین شروع شد، اما داستان اصلی بزوس، ساخت یک منطق اقتصادی بلندمدت بود؛ منطقی که در آن سود کوتاه‌مدت می‌توانست قربانی سهم بازار شود. بزوس از ابتدا بازی را مثل بسیاری از مدیران سنتی تعریف نکرد. او تعدداً سال‌ها سودآوری را عقب انداخت تا سهم بازارش را تا حد ممکن گسترش دهد. این تصمیم، برای سهامدارانی که به سود سریع عادت داشتند، عصبی‌کننده بود؛ اما برای بزوس، بخشی از نقشه بود. ویژگی اصلی بزوس پایداری رادیکال بود. او حاضر بود در کوتاه‌مدت فشار، انتقاد و خشم سهامداران را تحمل کند، چون تصمیم‌هایش را با افق پنج تا ده ساله می‌گرفت. این نوع نگاه در بازارهای پرنوسان، هم خطرناک است و هم اگر درست اجرا شود، بسیار ویرانگر برای رقبای بزوس به‌جای اینکه فقط یک فروشگاه بزرگ‌تر بسازد، سازوکاری ساخت که می‌توانست بازار را از داخل تغییر دهد. او فهمید اگر مقیاس را به اندازه کافی بزرگ کند، قواعد بازی عوض می‌شود. اما نقطه درخشان‌تر در روایت بزوس، AWS است. نبوغ اصلی او فقط در فروش کتاب، کالا یا ساخت فروشگاه‌های بزرگ نبود؛ در این بود که متوجه شد زیرساخت فنی آمازون می‌تواند خودش به محصول تبدیل شود. زیرساختی که برای اداره فروشگاه ساخته شده بود، آن‌قدر قوی شده بود که می‌توانست به کل اینترنت سرویس ابری بفروشد. اینجا مدل اقتصادی آمازون از خرده‌فروشی به زیرساخت جهانی تغییر کرد. بزوس از دل یک نیاز داخلی، یک کسب‌وکار بنیادی بیرون کشید. این همان لحظه‌ای است که آمازون را فروشگاه فراتر رفت و به بخشی از ستون فقرات اقتصاد دیجیتال تبدیل شد. اگر بسیاری از مدیران فقط محصول می‌فروشتند، بزوس یاد گرفت که حتی زیرساخت محصول را هم بفروشد.

فورد؛ کارگری که مشتری شد

هنری فورد را معمولاً با خط تولید انبوه به یاد می‌آورند، اما خواندن او فقط در قالب مهندسی صنعتی، نادیده گرفتن بخش مهم‌تر ماجراست. فورد مخترع خودرو نبوده؛ او خط تولید انبوه را به کمال رساند. اهمیت او در این بود که توانست تولید خودرو را از کالایی محدود و دور از دسترس، به محصولی قابل تکرار، منظم و گسترده تبدیل کند اما شاهکار واقعی فورد فقط در کارخانه اتفاق نیفتاد در فهم رابطه بین دستمزد، مصرف و بازار رخ داد. در سال ۱۹۱۴، فورد حقوق کارگرانش را به ۵ دلار در روز رساند؛ رقمی که دو برابر عرف آن زمان بود. این تصمیم در نگاه اول می‌توانست عجیب یا حتی ضدمنطق سرمایه‌داری سنتی به نظر برسد. چرا باید یک کارفرما دواطلبانه هزینه نیروی کار را بالا ببرد؟ پاسخ فورد، اقتصادی‌تر از آن بود که در ظاهر دیده می‌شد. او می‌دانست اگر کارگرانش قدرت خرید نداشته باشند، بازار داخلی هم کشش کافی برای خرید محصولاتش نخواهد داشت. در واقع فورد دستمزد را فقط هزینه نمی‌دید؛ آن را بخشی از چرخه نقدینگی می‌دید. اینجا فورد وارد قلمرویی شد که برای تحلیل معیشت، تولید و تقاضا بسیار مهم است. او فهمید کارخانه فقط با تولید زنده نمی‌ماند؛ با وجود مشتری زنده می‌ماند. اگر طبقه کارگر نتواند مصرف کند، تولید انبوه هم به بن‌بست می‌رسد. بنابراین افزایش دستمزد، فقط یک اقدام انسانی یا تبلیغاتی نبود؛ یک تصمیم راهبردی برای ساختن بازار بود. فورد با این کار، به شکل‌گیری طبقه متوسط آمریکا کمک کرد؛ طبقه‌ای که می‌توانست همان خودروهایی را بخرد که در کارخانه تولید می‌کرد. این نگاه، هنوز هم درس مهمی برای اقتصادهای تولیدمحور دارد. وقتی دستمزد فقط هزینه تلقی شود، سیاست صنعتی لنگ می‌زند. فورد نشان داد قدرت خرید، بخشی از زنجیره تولید است. او فقط خودرو ارزان‌تر نساخت؛ مشتری خودرو را هم ساخت. همین تفاوت او را از یک کارخانه‌دار موفق به یک معمار اقتصاد در گردش تبدیل کرد.

سخن پایانی

زندگی این ۵ نفر را اگر از قاب انگیزشی بیرون بیاوریم، تصویر واقعی‌تری می‌بینیم. جابز با اخراج و بازگشت فهمید تمرکز، گاهی یعنی حذف بی‌رحمانه. ماسک در تابستان ۲۰۰۸ نشان داد بعضی امپراتوری‌ها از دل شرط‌بندی‌های وجودی بیرون می‌آیند. بزوس ثابت کرد سود کوتاه‌مدت همیشه معیار نهایی نیست و گاهی زیرساخت، از فروشگاه مهم‌تر می‌شود. فورد یادآوری کرد دستمزد، سوخت تقاضاست. راکفلر هم نشان داد صرفه‌جویی مقیاس اگر مهار نشود، می‌تواند به انحصاری برسد که دولت ناچار به شکستن آن شود. این‌ها قصه‌های قهرمانانه تمیز و بی‌لک نیستند؛ پرونده‌های سخت اقتصاد صنعتی‌اند. پشت هر نام بزرگ، یک بحران، یک تصمیم خطرناک و یک تغییر پارادایم خوابیده است.

راکفلر؛ امپراتوری‌ای که دولت مجبور شد تکه‌تکه کند

با راه‌آهن، استاندارد اوایل را ساخت. این فقط توسعه یک شرکت نبود؛ تصاحب زنجیره تأمین بود. راکفلر نه‌تنها قیمت‌ها را کنترل کرد، بلکه کاری کرد که مسیر حرکت نفت، هزینه حمل، ظرفیت تولید و قدرت رقبا زیر سایه او قرار بگیرد. او استاد صرفه‌جویی‌های مقیاس بود؛ یعنی هرچه بزرگ‌تر می‌شد، هزینه‌ها را بهتر کنترل می‌کرد و قدرتش برای حذف رقبا بیشتر می‌شد. در منطق اقتصادی، این مهارت خیره‌کننده بود؛ در منطق رقابت آزاد، خطرناک. داستان راکفلر یک هشدار تاریخی است: رشد اگر بی‌مهار باشد، می‌تواند از موفقیت صنعتی به سلطه ساختاری تبدیل شود.

اگر جابز چهره تمرکز، ماسک نماد ریسک، بزوس معمار افق بلندمدت و فورد مهندس قدرت خرید بود، جان دی. راکفلر چهره سرد و سازمان‌یافته انحصار است. او شاید ترسناک‌ترین کارآفرین این جمع باشد؛ نه به‌خاطر هیجان فناوری یا نمایش عمومی، بلکه به‌خاطر توانایی‌اش در ساختن یک ماشین اقتصادی عظیم و کنترل‌گر. راکفلر از هرج‌ومرج بازار نفت در قرن نوزدهم متنفر بود. برای او بازار آشفته، یعنی اتلاف، بی‌ثباتی و فرصتی برای بلعیدن رقبا.

او با خرید شرکت‌های کوچک، ادغام آن‌ها و بستن قراردادهای انحصاری

آگهی تعدید حدود اختصاصی

سی روز پذیرفته خواهد شد ضمناً برابر تبصره ماده واحده قانونی تعیین تکلیف پرونده‌های معترضی ثبتی مصوب سال ۱۳۷۳- اعتراض به تقاضای ثبت و تعدید حدود موضوع ماده ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت می‌یابد توسط معترض ظرف مدت یکماه از تاریخ تنظیم اعتراض بموقع بمرجع ثبتی با تقدیم دادخواست بمرجع ذیصلاح قضائی صورت پذیرد گواهی لازم از دادگاه زایل اخذ و به اداره ثبت محل تسلیم و رسید دریافت دارد والا حق او ساقط خواهد شد . در صورتیکه روز تعدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تعدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد تعطیلی با رعایت مواد قانونی ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و با رعایت مقام ماده ۶۷ آیین‌نامه مذکور صورت پذیرد.

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی تعدید حدود اختصاصی

سی روز پذیرفته خواهد شد ضمناً برابر تبصره ماده واحده قانونی تعیین تکلیف پرونده‌های معترضی ثبتی مصوب سال ۱۳۷۳- اعتراض به تقاضای ثبت و تعدید حدود موضوع ماده ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت می‌یابد توسط معترض ظرف مدت یکماه از تاریخ تنظیم اعتراض بموقع بمرجع ثبتی با تقدیم دادخواست بمرجع ذیصلاح قضائی صورت پذیرد گواهی لازم از دادگاه زایل اخذ و به اداره ثبت محل تسلیم و رسید دریافت دارد والا حق او ساقط خواهد شد . در صورتیکه روز تعدید حدود مصادف با تعطیلی گردد عملیات تعدید حدود در همان ساعت مندرج در آگهی و در اولین روز کاری بعد تعطیلی با رعایت مواد قانونی ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و با رعایت مقام ماده ۶۷ آیین‌نامه مذکور صورت پذیرد.

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت

۴ آذر ۱۴۰۴

یک بند ماده مذکور در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس مدعی انجام معامله می‌باشد نسبت از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز به این اداره مراجعه و اعتراض خود را به ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض نرسیده یا در صورت اعتراض سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت اسناد و املاک هیرمند سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی فقدان سند مالکیت

۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ نشر این آگهی ظرف ده روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله نسبت به ملک مرقوم می‌باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد

ثبت اسناد و املاک

آقای علیرضا کریم کشته فرزند بشیر به شماره ملی ۳۶۶۰۱۳۸۲۳۱ با تسلیم درخواست ۱۱۲/۱۱۳۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۹ فرعی اعلام می‌دارد سند مالکیت شش‌دانگ یک باب منزل به مساحت ۶۷۲/۷۸ متر مربع از پلاک ۲۲۵ فرعی از ۱۳۶ - اصلی واقع در اراضی قریه کریم کشته ملکی نامبرده اعلام داشته که بر اثر کارآفرینی همیشه با نوآوری زیبا و رقابت سالم همراه نیست. گاهی هوش اقتصادی، اگر با قدرت انحصاری گره بخورد، به مسئله حقوقی و سیاسی تبدیل می‌شود. او بازار را نظم داد، اما نظمی ساخت که بیش از حد به خودش وابسته بود. و همین، دولت را به مداخله کشاند.

آقای محمد بخش امیری فرزند خدابخش باسناد دو برگ استشهاد محلی که به امضا شهرد یک باب منزل پلاک ۱۹۵۹ فرعی از ۵۷ - اصلی واقع در بخش ۱۵ بلوچستان شهر نیکشهر مورد بعلت جابه‌جایی اثنائیه منزل از بین رفته است درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باسناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین‌نامه ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می‌باشد از

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳

۴ آذر ۱۴۰۴

چون تعدید حدود شش‌دانگ اعیان یک باب منزل پلاک ۲۷۴۴۶ فرعی از ۱ - اصلی واقع در بخش ۲ سیستان خیابان شهدا ۳۷ مورد تقاضای رسول ساسولی تاکنون بعمل نیامده است لذا برحسب تقاضای کتبی نامبرده تعدید حدود در تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ در محل شروع و به عمل خواهد آمد بدینوسیله به اطلاع مجاورین و مستدعی ثبت پلاک فوق می‌رساند تا در روز تعیین شده در محل حضور بهم رسانند در صورتیکه مستدعی ثبت پلاک فوق و یا نماینده قانونی وی حضور نداشته باشد تعدید حدود بر طبق اظهار مجاورین برابر ماده ۱۵ قانون ثبت بعمل خواهد آمد و اعتراض مجاورین نیز برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تعدیدی ظرف مدت

رئیس ثبت اسناد و املاک

۴ آذر ۱۴۰۴

چون تعدید حدود شش‌دانگ اعیان یک باب منزل پلاک ۲۷۴۴۶ فرعی از ۱ - اصلی واقع در بخش ۲ سیستان خیابان شهدا ۳۷ مورد تقاضای رسول ساسولی تاکنون بعمل نیامده است لذا برحسب تقاضای کتبی نامبرده تعدید حدود در تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ در محل شروع و به عمل خواهد آمد بدینوسیله به اطلاع مجاورین و مستدعی ثبت پلاک فوق می‌رساند تا در روز تعیین شده در محل حضور بهم رسانند در صورتیکه مستدعی ثبت پلاک فوق و یا نماینده قانونی وی حضور نداشته باشد تعدید حدود بر طبق اظهار مجاورین برابر ماده ۱۵ قانون ثبت بعمل خواهد آمد و اعتراض مجاورین نیز برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تعدیدی ظرف مدت

رئیس ثبت اسناد و املاک